

بررسی قرائات منسوب به ائمه علیهم السلام در سوره مائده*

زهره اخوان مقدم** و زهره دانشی کهن***

چکیده

تحلیل قرائات منسوب به معصومان علیهم السلام از مباحث در خور در عرصه تفسیر است و تحلیلی و بررسی روایات تفسیری و فقهی قرائات نتایج جالب توجهی را به دست می‌دهد که بارزترین نتیجه آن، پی بردن به ارزشمندی این قرائات و روایات مربوط به آنهاست هر اینکه در کنار دیگر قرائات در تفسیر آیات باید مورد توجه واقع شوند. همچنین توجه به بعضی از قرائات منقول از معصومین علیهم السلام تأثیر بسزایی بر تفاسیر شیعه دارد، ولی مفسران و فقهای شیعه، روایات قرائات را نیز همچون دیگر روایات تفسیری کمتر مورد توجه ویژه قرار داده‌اند، در حالی که این روایات در خور اهتمام و استفاده بهینه است. این مهم در سوره مائده بیشتر جلب توجه می‌کند.

واژگان کلیدی: قرآن، سوره مائده، قرائات، معصومان علیهم السلام، روایات تفسیری.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۲۰ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۷/۱۷.
** استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم قرآن تهران (نویسنده مسئول): Dr. zo.akhavan@gmail.com
*** دانش آموخته سطح چهار رشته تفسیر تطبیقی حوزه علمیه رفیعه المصطفی: z.daneshe@chmail.ir

مقدمه

امامان معصوم مبین و مفسر کلام خدا هستند و در جهت راهیابی مردم به بطون و معارف حقیقی وحی، قدم‌های برجسته و مؤثری در تاریخ تفسیر برداشته‌اند که روایات تفسیری میراثی گرانبها در عرصه تفسیر از ایشان است.

در مجموع روایات تفسیری، اختلاف قرائات نیز به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد که بیان این قرائات که گاهی مخالف قرائت مشهور حفص از عاصم است، بیشتر جنبه تفسیری دارد، به هر حال مجموع این گونه روایات را می‌توان در علم قرائات بررسی کرد.

برخی مفسران شیعه چون طبرسی، ابوالفتوح رازی و ابوالمحاسن جرجانی این‌گونه روایت را از قبیل اختلاف قرائات دانسته‌اند و اغلب در لابه‌لای مباحث مربوط به قرائات در تفاسیر خود گنجانده‌اند. اما در تفسیر التبیان شیخ طوسی همه این روایات تقریباً در میانه بحث‌های تفسیری آمده‌اند نه در بحث نکات ادبی یا قرائتی. به تعبیر دیگر، شیخ طوسی این دسته روایات ناظر به نحوه قرائت خاص ائمه علیهم‌السلام را هیچ‌گاه در ضمن قرائات معروف قراء هفت‌گانه یا ده‌گانه ذکر نمی‌کند. چنین قرینه‌ای نشان می‌دهد که کارکرد این دسته روایات از نظر وی، صرفاً تفسیری و به منظور شرح و بیان مدلول آیه بوده است. وی به ندرت تلاش می‌کند که امامان شیعه را در شمار و در کنار قراء معروف بنشانند.

از سده‌های نخست پس از عصر غیبت به این سو، مفسران شیعه کمتر به نقل قرائات خاص اهل بیت علیهم‌السلام می‌پردازند، در عوض حجم منقولات قرائی از قاریان مشهور یا حتی شاذ بیشتر و بیشتر می‌شود. ولی در قدیمی‌ترین متون مدون تفسیری شیعه اشارات فراوانی به نحوه قرائت خاص ائمه علیهم‌السلام ذیل برخی آیات قرآن یافت می‌شود.

به دلیل اهمیت این مسئله، در نوشتار حاضر، به تحلیل روایات معصومان در سوره مبارکه مائده پرداخته می‌شود و انتخاب این سوره به جهت قرار گرفتن آیات متنوع فقهی و اعتقادی در آن است.

سوره مائده آخرین سوره از سوره‌های طوال قرآن است که در اواخر ایام حیات رسول خدا بر ایشان نازل شد. در روایات شیعه و سنی آمده است که در سوره مائده ناسخ هست، ولی منسوخ نیست؛ چون بعد از مائده چیزی نازل نشد تا آن را نسخ کند.

غرض جامع از این سوره دعوت به وفای به عهدها، و پایداری در پیمان‌ها، و تهدید و تحذیر شدید از شکستن آن و بی‌اعتنایی نکردن به امر آن است و اینکه عادت خدای تعالی

بر رحمت و آسان کردن تکلیف بندگان و تخفیف دادن به کسی جاری شده که تقوا پیشه کند و ایمان آورد و باز از خدا بترسد و احسان کند. نیز بر سخت‌گیری به کسی جاری شده که پیمان با امام خویش را بشکند و گردن‌کشی و تجاوز را آغاز نماید و طاعت امام را ترک گوید و حدود و میثاق‌هایی را که در دین گرفته شده، بشکند. این سوره از سوره‌های مدنی است و ۱۲۰ آیه دارد و گفته‌اند پس از سوره فتح نازل شده و طبق روایتی تمام این سوره در حجة الوداع و بین مکه و مدینه نازل شده است.

این مقاله در صدد پاسخویی به این پرسش است قرائات معصومان در مقایسه با قرائت قرآن دیگر چه میزان معتبر و قابل استناد است و اینکه سند این روایات از چه میزان اعتباری برخوردار است؟

۱. تعریف قرائات

قرائت در لغت به معنای پیوستن و متصل نمودن بعضی از حروف و کلمات به بعضی دیگر در آشکار خواندن قرآن به طور ترتیل است (راغب اصفهانی، مفردات ۱۴۱۲: ۶۶۸) و در اصطلاح عبارت است از علم به کیفیت ادای کلمات قرآن و اختلاف این کیفیت؛ اختلافی که به ناقل و راوی آن منسوب است (ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، ۳: ۱۳۵۰). زرکشی می‌گوید: «قرائات عبارت است از اختلاف مربوط به الفاظ و عبارات وحی که این اختلاف، در مورد حروف و کلمات قرآن و کیفیت آنها از قبیل تخفیف و تشدید و مانند آن از سوی قراء نقل شده است» (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۱۰: ۱/ ۳۱۸)؛ بنابراین، قرائت، تلفظ الفاظ قرآن است همان‌گونه که پیامبر اکرم آن را تلفظ کرده‌اند یا همان‌طور که در برابر ایشان قرائت شده و مورد تقریر ایشان قرار گرفته است (فضلی، القرائات القرآنیة، ۱۴۳۰: ۶۸). چون سخن از قرائت‌های گوناگون است، در تعریف آن، لفظ قرائت به صورت جمع آورده شده و قرائات قرآن به قرآن خاصی از جمله قرآن هفتگانه و دهگانه نسبت داده می‌شود.

۲. دیدگاه مفسران شیعه درباره تواتر قرائات سبعه

عالمان شیعه بر جواز قرائات متداول بین قرآ اجماع نموده‌اند و شایع و رایج در روایات شیعه آن است که نزول قرآن بر حرف واحد بوده است (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۱/ ۷۹-۸۰؛ طوسی التبیان، ۱۳۸۹: ۷/ ۱)؛ چنان که امام باقر علیهم السلام فرموده‌اند: قرآن یکی است و از نزد یکی (خدای یگانه) نازل شد، ولی اختلاف از سوی راویان پدید آمد (کلینی، کافی، ۱۳۶۵: ۲/ ۶۳۰).

سید محمد مجاهد (طباطبائی) در «مفاتیح الأصول» اقوال بعضی از متقدمان و متأخران تشیع را نسبت به تواتر یا عدم تواتر قرائات سبعة را به سه دسته تقسیم کرده است: اول آنکه قرائات سبعة مطلقاً متواترند و همه آنها از مصادیق «مما نزل به الروح الامین علی قلب سید المرسلین» می‌باشند. قائلان به این قول، علامه حلی، ابن فهد، محقق ثانی، شهید ثانی در کتاب «مقاصد العلیه»، شیخ حرّ عاملی و محکی از فاضل جواد می‌باشد و سید صدرالدین در «شرح وافیه» فرموده است که: معظم مجتهدین از اصحاب ما به تواتر قرائات سبع حکم کرده‌اند.

دوم آنکه بخشی از قرائات سبع از قبیل هیأت کلمه مثل مدّ و لین، تخفیف همزه، اماله و امثال اینها غیر متواترند، لکن تواتر آنها لازم و واجب نیست (مخل به تواتر قرائت نیست) و بخشی دیگر از آنها از قبیل جوهر لفظ مثل «مَلِك» و «مَالِك» - که قرائت بر آنها صادق است - متواترند و این رأی شیخ بهایی، ابن حاجب و عضدی است.

سوم آنکه قرائات مطلقاً متواتر نیستند (نه اینکه صحیح نیستند) (موحدی لنکرانی، ایضاح الکفایه، ۱۴۲۸: ۴/ ۲۰۴)؛ هر چند جوهر لفظ باشد. این رأی شیخ طوسی در «التبیین»، نجم الأئمه در «شرح کفایه»، جمال الدین خوانساری، سید نعمت الله جزایری، شیخ یوسف بحرانی و سید صدرالدین است (طباطبائی، مفاتیح الأصول، ۱۲۴۲: ۳۲۲).

علامه طباطبائی رحمته الله تواتر قرائات را نمی‌پذیرد و حصر قرائات را در سبعة منتفی می‌داند. او به نقل از سیوطی (سیوطی، ۱۴۱۶: ۱/ ۲۱۵) می‌نویسد: اصل قابل اعتماد در مسئله قرائات سه چیز است: صحت سند؛ موافقت با قواعد عربی و مطابقت با رسم مصحف (طباطبائی، میزان، ۱۳۷۲: ۱۴۴).

اکنون قرائات معصومان به ترتیب چینش آیات در سوره مبارکه مائده بررسی می‌شود.

۳. آیه وضو (مائده/۶)

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (مائده/۶)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چون به نماز برخاستید، صورت و دست‌های خود را تا آرنج بشویید و سر و پاهای خود را تا برآمدگی روی پا مسح کنید و اگر

جنب بودید، غسل کنید و اگر بیمار یا مسافر بودید یا یکی از شما از قضای حاجت آمد یا با زنان نزدیکی کردید و آب نیافتید، پس بر خاکی پاک تیمم کنید و از آن بر صورت و دست‌هایتان بکشید. خدا نمی‌خواهد برای شما دشواری بیافریند، بلکه می‌خواهد شما را پاک و نعمتش را بر شما تمام کند، باشد که سپاس دارید.»

الف) بررسی قرائت معصوم علیه السلام

در کتب حدیثی شیعه در روایتی غالب بن هذیل از امام باقر علیه السلام درباره قرائت «أَرْجُلَكُمْ» در این آیه می‌پرسد آن را به خفض بخوانیم یا به نصب؟ امام می‌فرماید: آن را به خفض بخوانید (طوسی، تهذیب الأحکام، ۱۳۶۵: ۱ / ۷۰).
در این روایت امام «أَرْجُلَكُمْ» را «أَرْجُلِكُمْ» به جر قرائت کرده اند. قرائت به جر قرائت شعبه و دیگران نیز می‌باشد که در عنوان موافقان با قرائت معصوم از منابع اهل سنت بدان پرداخته شده است.

ب) بررسی سندی روایت قرائت

این روایت در کتاب «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی قسمت کتاب الطهاره بَاب صِفَةِ الْوُضُوءِ وَ الْفَرَضِ مِنْهُ وَ السُّنَّةِ وَ الْفَضِيلَةِ فِيهِ آمده است.
محمد بن عبدالله که نامش در سند روایت آمده، اسمی مشترک بین محمد بن عبدالله بن احمد ابو عبدالله الجامورانی و محمد بن خالد البرقی است. نفر اول را قمیون ضعیف شمرده و به غلو متهم کرده اند و نفر دوم امامی و ثقة است و نجاشی او را در حدیث ضعیف شمرده است؛ بنابراین، سند روایت ضعیف است.
البته باید توجه داشت که قمی‌ها و نجاشی راویانی را که به بیان معجزات و کرامات ائمه می‌پرداختند، نیز غالی می‌شمردند، ولی در واقع، این افراد غلو کننده نبودند و اعتماد شیخ طوسی بر این راویان سبب شده که این روایت را در باب اصلی کتاب الطهاره ذکر کند و گرنه در باب نوادر می‌آورد.

ج) موافقان با قرائت معصوم از قراء

ابو عمرو، ابن کثیر، حمزه، ابو بکر از عاصم، ابو جعفر، خلف، انس، عکرمه و یحیی بن وثاب، شعبی، قتاده، علقمه، ضحاک و اعمش نیز «ارجلکم» را به جر قرائت کرده‌اند (عبد اللطیف معجم القرائات، ۱۴۲۲: ۲ / ۲۳۱).
روایتی را طبری از امیر مؤمنان علیه السلام مبنی بر قرائت جر نقل کرده است که مؤید این قرائت نیز است (طبری، ۸۱ / ۶؛ به نقل از: عبد اللطیف الخطیب، معجم القرائات، ۱۴۲۲: ۲ / ۲۳۱).

۴. آیه نهی از پرستش طاغوت (مائده/۶۰)

﴿قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرِّ مِنْ ذَلِكَ مَعُوبَةٍ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ لَعْنَةِ اللَّهِ وَ غَضَبِ عَلَيْهِ وَ جَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَ الْخَنَازِيرَ وَ عَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَاناً وَ أَضَلُّ عَنِ السَّبِيلِ﴾ (مائده/ ۶۰): «بگو: آیا شما را از چیزی که عقوبتش نزد خدا از این هم بدتر است، خبر بدهم؟ کسانی که خدا آنها را از رحمتش دور ساخت و بر آنان خشم گرفت و برخی از ایشان را به میمون‌ها و خوک‌ها مسخ نمود و آنان که طاغوت و بت را پرستیدند. اینانند که موقعیت آنها [خیلی] بدتر است و از راه راست منحرف‌ترند».

الف) بررسی قرائت معصوم

قرأ علی بن ابی طالب (علیه السلام): «عبدة الطاغوت» (ابن خالویه، مختصر، ۱۴۰۷: ۳۴) و شوکانی این قرائت را عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب نسبت داده است (شوکانی، فتح القدير، ۱۴۱۴: ۵۵/۲).

ب) بررسی روایت قرائت

قرائت «عبدة الطاغوت» در دو کتاب از کتب قرائی اهل سنت نیز آمده است: اول - نویسنده کتاب «مختصر فی شواذ قرائت» این روایت را به شوکانی در «فتح القدير» نسبت داده است، در حالی که شوکانی این قرائت را به امام علی (علیه السلام) نسبت نداده است (شوکانی، فتح القدير، ۱۴۱۴ق: ۶۳/۲).

طبرسی در «مجمع البیان» به گونه‌ای دیگر قرائت ابی و ابن مسعود را گزارش کرده است: و قرأ ابن عباس و ابن مسعود و إبراهيم النخعی و الأعمش و أبان بن تغلب «و عبدة الطاغوت» بضم العين و الباء و فتح الدال و خفض الطاغوت و قرأ أبی بن کعب «عبدوا الطاغوت» (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۳/ ۳۳۱). به هر تقدیر، بنا بر گفتار «فتح القدير» به این روایت نمی توان اعتماد کرد.

دوم - صاحب معجم القرائات می نویسد: «و قرأ علی بن ابی طالب و ابی و ابن مسعود «و عبدة الطاغوت» بالطاء، کفاجر و فجره» (خطیب، معجم القرائات، بی تا: ۳۱۱/۲). حال مستندات «معجم القرائات» بررسی می شود.

۱- از جمله کتبی که صاحب «معجم القرائات» به آن استناد کرده، کتاب «المختصر» و «فتح القدير» است که قبلاً بررسی شد.

۲- مستند بعدی کتاب «الکشاف» زمخشری و «التفسیر الکبیر» رازی است. زمخشری از امام نقل قرائتی ندارد و قرائت ابن مسعود و ابی را به گونه‌ای دیگر آورده است: و فی قراءه أبی و «عبدوا الطاغوت» علی المعنی و عن ابن مسعود: «و من عبدوا» (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۱ / ۶۵۲). فخر رازی نیز سخنش را به سخن زمخشری اسناد داده است (رازی، التفسیر الکبیر، ۱۴۲۰: ۱۲ / ۳۹۰).

۳- مستند دیگر «معجم القرائات» کتاب «بحر المحيط» است که قرائت «و عبده الطاغوت» را به ابن عباس و ابن ابی عبده نسبت داده است: و قرأ ابن عباس و ابن ابی عبدة «و عبد الطاغوت» یرید «و عبدة» جمع عابد کفاجر و فجرة، و حذف التاء للإضافة أو اسم جمع كخادم و خدم، و غائب و غیب. و قرئ «و عبدة الطاغوت» بالتاء نحو فاجر و فجرة (اندلسی، البحر المحيط، ۱۴۲۰: ۴ / ۳۰۸).

۴- آلوسی در «روح المعانی» این قرائت را به «بعض» استناد داده و مشخص نکرده که قرائت مذکور مربوط به چه کسی است (آلوسی، روح المعانی، ۱۴۱۵: ۳ / ۳۴۳).

از آنجا که منابعی که «معجم القرائات» بدان استناد کرده، بعد از احصای چند منبع مذکور، استنادش صحیح نبود، نسبت دادن این قرائت به معصوم در حد احصاء این منابع صحیح نیست. ضمناً این روایت در کتب روایی ما یافت نشد و هیچ یک از قرآء سبعة نیز چنین قرائت نکرده‌اند. اما قرائات مختلف «عبد الطاغوت» عبارت است از:

- حمزه «و عبد الطاغوت» به ضم باء قرائت کرده است.
- بقیه قرآء مشهور «و عبد الطاغوت» را منصوب قرائت کرده‌اند.
- حسن به فتح عین و باء و فتح دال قرائت کرده که قرائتی شاذ است.
- شنبوذی به ضم عین و باء و فتح دال قرائت کرده که قرائتی شاذ است (مطرودی، الأحرف القرآنية السبعة، ۱۴۱۱ق: ۱۴)

۵. آیه کفارات قسم (مائده / ۸۹)

﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَّ لَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَّ احْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (مائده / ۸۹): «خدا شما را به سوگندهای بیهوده‌تان بازخواست نمی‌کند، ولی به سوگندی که با قصد می‌خورید مؤاخذه می‌کند. پس کفاره آن اطعام ده مسکین است از غذاهای متوسطی که به

کسان خود می‌خورانید یا پوشاندن آنها یا آزاد کردن بنده‌ای و هر که [اینها را] نیابد، روزه داشتن سه روز. این کفاره سوگندهای شماسست وقتی که قسم می‌خورید [و می‌شکنید]. و سوگندهای خود را نگاه دارید. خداوند بدین گونه آیات خود را برای شما روشن می‌سازد، باشد که سپاس دارید.»

الف) قرائت معصوم

مرحوم طبرسی در تفسیر «مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ» دو گفتار دارد:

- ۱- از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که آن حضرت «أهالیکم» به سکون یاء قرائت فرموده که اسم جمع برای کلمه «اهل» است؛ مانند «لیالی» و «أراضی» ولی ساکن کردن «یا» در حال نصب برای تخفیف است؛ چنان که گفته‌اند: «رأیت معدی کرب» که از باب تشبیه «یاء» به «الف»، آن را ساکن خوانده‌اند (طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ۱۴۱۲ق: ۱/ ۳۵۰).
 - ۲- «اهالی» همانند «لیالی» مفرد آن «أهلاة» و «لیلاة» است و کسی که بگوید: «أهالی» جمع «أهلون» است، سخنش بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا این کلمه، جمع مکسر ندارد (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲ش: ۳/ ۳۶۶).
- بنابراین با توجه به شواهد دیگر باید دید که کلمه «أهالیکم» آیا جمع «أهلاة» است و یا اسم جمع برای «اهل»؟

ب) بررسی روایات قرائت معصومان

در معجم القرائات از امام صادق (علیه السلام) همین قرائت نقل شده که «أهالیکم» را به یاء ساکن قرائت کرده است؛ زیرا جمع مکسر است. ابن جنی می‌گوید: أهالٍ، به منزله لیالٍ است که مفرد آن «أهلاه» می‌باشد و کسی که معتقد است که «أهال» جمع «أهلون» است، اشتباه کرده؛ زیرا جمع مکسر «أهلون» قطعاً به کار نرفته است. شهاب می‌گوید: قیاس است فتحه یاء به دلیل تخفیف فتحه، لکن یاء به الف تشبیه شده و اعرابش تقدیر گرفته شده است؛ بنابراین، در مورد قرائت «أهالیکم» چند نظر است.

ع

اول آنکه اسم جمع از کلمه «اهل» باشد. یاء مخفف شده یعنی یاء منصوب، ساکن شده و این از باب تشبیه یاء به الف است.

دوم آنکه جمع مکسر از «أهلاه» است و نه از «أهلون»؛ زیرا جمع مکسر «أهلون» به کار نرفته است (خطیب، معجم القرائات، بی‌تا: ۲/ ۳۳۵)؛ بنابراین، قرائت امام صادق (علیه السلام) نیز در کنار قرائات دیگر قراء دارای مؤیداتی است که لازم است مفسران به آن توجه کنند. لازم به

ذکر است که این قرائت هر چند در کتب تفسیری شیعه و سنی ذکر گردیده، مشخص نیست کتب تفسیری شیعه به کدام کتاب روایی استناد کرده‌اند، در حالی که نگارنده، آن را در کتب روایی شیعه پیدا نکرده و هیچ یک از قراء سبعة این چنین قرائت نکرده‌اند.

۶. آیه امام عادل (مأئده / ۹۵)

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيِّدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بِالْغِ كَفَّارَةً أَوْ كَفَّارَةً طَعَامٍ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ﴾ (مأئده / ۹۵)؛ «ای مؤمنان! وقتی که احرام دارید، شکار را مکشید، و هر کس از شما عمداً آن را بکشد، باید کفاره‌ای معادل آن از چهارپایان بدهد که دو نفر عادل از خودتان [معادل بودن] آن را تصدیق کنند و به عنوان قربانی به کعبه برسد [و قربانی شود] یا [او را] کفاره‌ای [مانند] طعام دادن به مستمندان یا روزه داشتن معادل آن است تا وبال کار خویش را بچشد. خدا از آنچه در گذشته واقع شده، عفو کرده و هر که تکرار کند، خدا از او انتقام می‌گیرد و خداوند شکست‌ناپذیر و صاحب انتقام است.»

الف) بررسی قرائت معصومان (علیهم السلام)

در کتاب الکافی با دوسند صحیح از امام صادق (علیه السلام) آمده است: حماد بن عثمان می‌گوید: این آیه را در نزد امام صادق (علیه السلام) این گونه قرائت کردم: «ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ». امام فرمود: «ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ». این از خطاهای کتاب است (کلینی، کافی، ۱۳۶۵: ۸ / ۲۰۵ باب حدیث قوم صالح).

در روایت دیگر ابراهیم بن عمر یمانی از امام صادق (علیه السلام) درباره این آیه سوال پرسید: «ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ» حضرت فرمود: عدل رسول الله ﷺ و امام بعد از ایشان است. سپس فرمود: این از خطای کتاب است (الکلینی، کافی، ۱۳۶۵: ۴ / ۳۹۶).

مضمون این روایت در روایت دیگری با سند صحیح از امام باقر (علیه السلام) نیز منقول است (همان، ۴ / ۳۹۷).

در کتاب «تهذیب الاحکام» و کتاب «وسائل الشیعه» باب «وجوب الرجوع فی جمیع الأحکام إلی المعصومین (علیهم السلام)» روایاتی با یک سند صحیح آمده که قرائت معصوم (علیه السلام) از آیه شریفه را به روشنی بیان می‌کند.

زراره از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند: آیه ﴿يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ﴾ منظور از «عدل» رسول الله ﷺ و امام بعد از ایشان است که حکم می‌کنند. پس هنگامی که این را دانستی، برای تو کافی است و دیگر از آن نپرس (طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۳۶۵: ۶ / ۳۱۴؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۲۷ / ۷۰).

در معجم القرائات، قرائت امامان صادقین (علیهم السلام) را آورده و بیان کرده که مراد از «ذو عدل» جنس عدل است (خطیب، معجم القرائات، بی تا: ۲ / ۳۴۱).

ب) بررسی سندی روایات قرائت

روایات مذکور در کتب حدیثی شیعه آمده و دارای سند صحیح است؛ بنابراین، این قرائت دارای سندیت است و باید در کنار دیگر قرائات قرآء مشهور مورد توجه قرار گیرد و صرف خبر واحد بودن این روایات دلیل بر کنار گذاشتن آنان نیست مگر اینکه تواتر قرائات دیگر قرآء ثابت شده باشد، در حالی که چندین سال بعد از قرائت نبی اکرم قرائت شده‌اند. بنابراین، آن قرائات نیز تواتر نیستند و قرائات ائمه اطهار با توجه به صحت سندشان قابل استفاده علمی هستند.

ج) بررسی محتوایی روایات قرائت

در مورد قرائت منتسب به معصومان در آیه ۹۵ سوره مائده دو احتمال وجود دارد:

۱- در این قرائت امام می‌خواهند به تأویل آیه اشاره کنند؛ یعنی معنای ظاهر و تفسیر آیه همان شهادت دادن دو نفر عادل برای معادل سازی کفاره است، ولی می‌خواهند به معنای باطنی توجه دهند که برای دریافت احکام دین به پیامبر و امامان معصوم رجوع کنید.

۲- اگر قرائت اصلی «ذو عدل» باشد، باز با ظاهر آیه مخالفتی ندارد. چنانچه در روایتی «کافی» از زهری از علی بن الحسین (علیه السلام) آمده است: روزه کفاره شکار واجب است، زیرا خدای تعالی فرموده است: «وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكَ صِيَامًا». ای زهری! هیچ میدانی معنای اینکه روزه به مقدار اطعام مساکین و عدل آن باشد، چیست؟ زهری می‌گوید: عرض کردم: نه نمی‌دانم، فرمود: شکار را قیمت می‌کنند، آن گاه قیمت آن را با گندم می‌سجند، و به دست می‌آورند که با قیمت آن چقدر گندم می‌توان خرید کرد. سپس آن مقدار گندم مفروض را به صاع تقسیم کرده، ببینند چند صاع است. آن گاه در مقابل هر نصف صاع یک روز روزه می‌گیرند (کلینی، الکافی، ۱۳۶۵: ۴ / ۸۳).

از آنجا که امام یکی از «ذو عدل» است، در این روایت، خود به عنوان کسی که قولش حجت است، به شرح و بیان محاسبه کفاره پرداخته است؛ بنابراین، قرائت «ذو عدل» بنا بر محتوای آیه هم می‌تواند صحیح باشد و باید به جای ارجاع به دو نفر عادل در محاسبه کفاره، به گفتار معصومان مراجعه شود.

۷. آیه دو شاهد (مائده / ۱۰۷)

﴿فَإِنْ عَجَرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا فَأَخْرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأُولِيَانِ فَيَقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (مائده / ۱۰۷)؛ «پس اگر اطلاعی حاصل شود که آن دو شاهد [با شهادت ناحق خود] مرتکب گناه شده‌اند، دو شاهد دیگر از کسانی که به میت نزدیک‌تر [و از کم و بیش وصیت آگاه‌تر] ند به جای آن دو شاهد [خائن] می‌ایستند، و به خدا سوگند می‌خورند که شهادت‌مان از شهادت آن دو نفر درست‌تر و به حق نزدیک‌تر است، و [در شهادتی که بر خلاف شهادت آنان می‌دهیم] بنای تجاوز از حق را نداریم [که اگر داشته باشیم] قطعاً از ستمکاران خواهیم بود».

الف) بررسی قرائت معصوم

در دو کلمه از این آیه قرائتی از معصوم رسیده است.

اول در کلمه «اسْتَحَقَّ» که امام به کسر همزه و فتح تاء خوانده‌اند. این قرائت مطابق قرائت حفص از عاصم، حسن، نصر بن علی از پدرش از قره از ابن کثیر، اعشى، ابی بن کعب و ابن عباس است. مقابل این قرائت، قرائتی است که به ضم همزه و تاء خوانده شده است (به نقل از: خطیب، معجم القرائات، بی تا: ۲ / ۳۵۷).

دوم در کلمه «الأولیان» است که امام به تثنیه قرائت کرده‌اند و در مقابل، کسانی آن را به جمع خوانده‌اند. نقش این کلمه در جمله، وصف «آخران» یا بدل از ضمیر در «يقومان» است. نافع، ابن کثیر، ابو عمرو، ابن عامر، کسای، حفص عن عاصم، ابی، ابن عباس و ابو جعفر نیز مانند امام علی علیه السلام قرائت نموده‌اند (به نقل از: همان، ۲ / ۳۵۹).

فاریابی، عبد بن حمید، ابو عبیده، ابن جریر، ابن منذر و ابو الشیخ از علی ابن ابی طالب علیه السلام نقل کرده‌اند که آن حضرت در آیه ﴿مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأُولِيَانِ﴾ در کلمه استحق تاء را به فتح قرائت فرموده‌اند. نیز ابن مردویه و حاکم - که روایت را صحیح دانسته - از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرده که فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله نیز «استحق» را به فتح تاء قرائت فرموده‌اند (سیوطی، الدرالمثور، ۱۴۰۴ ق: ۲ / ۳۴۴).

دانی در کتاب «التیسیر» نیز آورده است: حفص هنگامی که به کسر الف آغاز کند، «من الذین استحق» را به فتح تاء و هاء خوانده است و دیگران هنگامی که به ضم الف آغاز کنند، به ضم تاء و کسر هاء خوانده‌اند. ابوبکر و حمزه «علیهم الأولین» را به جمع و دیگران «الأولین» را بنا بر تثنیه خوانده‌اند (دانی، التیسیر فی القرائات السبع، ۱۴۲۶: ۸۳).

ب) بررسی روایت قرائت معصوم علیه السلام

بنابر قرائت معصوم علیه السلام «اسْتَحَقَّ» مبنی بر فاعل و بنا بر قرائت متفاوت با قرائت امام مجهول و خبر برای مبتدای محذوف می‌باشد: «اسْتَحَقَّ» بالبناء للفاعل علی قراءة عاصم فی روایة حفص عنه و بها قرأ علی کرم الله تعالی وجهه - و ابن عباس و أبي - علیهما السلام - (ألوسی، روح المعانی، ۱۴۱۵: ۴/۴۹؛ شوکانی، فتح القدير، ۱۴۱۴: ۲/۱۰۰) و قيل هو مفعول لم یسم فاعله لـ «استحق» علی قرا من ضم التاء. علی هذا یكون فاعل «استحق» عند من فتح التاء. وقيل: هو خبر مبتدأ محذوف، أي: هما الاولیان (خطیب، معجم القراءات، بی‌تا: ۲/۳۵۹).

۸. آیه گفتار حواریون (مأئده / ۱۱۲)

﴿إِذْ قَالَ الْخَوَارِثُونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ أَتَقْوُونَ اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (مأئده / ۱۱۲)؛ «[و یاد کنید] زمانی که حواریون گفتند: ای عیسی بن مریم! آیا پروردگارت می‌تواند برای ما سفره‌ای که غذا در آن باشد از آسمان نازل کند؟! گفت: اگر ایمان دارید، از خدا پروا کنید».

الف) قرائت معصوم

در معجم القرائات آمده است: حضرت علی علیه السلام کسایی، معاذ بن جبل، ابن عباس، اعشى، مجاهد، ابن جبیر، جماعتی از صحابه و تابعین عبارت «هل يستطيع ربك» را به تاء و حرکت نصب باء قرائت نموده‌اند که در این صورت، جمله خطاب به حضرت عیسی علیه السلام است؛ یعنی: «آیا می‌توانی از پروردگارت سؤال بپرسی» و این بنا بر تعظیم است. معاذ گفته: «شنیدم بارها از نبی اکرم صلی الله علیه و آله که به تاء قرائت می‌نمود و به همین دلیل، امام علی علیه السلام نیز به تاء قرائت می‌فرمود» (به نقل از خطیب، معجم القرائات، بی‌تا: ۲/۳۶۸).

در کتاب «قراءة الامام علی بن ابی طالب علیه السلام» آمده است:

آیه «هل يستطيع ربك» است که امام علی علیه السلام آن را به «هل يستطيع ربك» قرائت می‌نمود. کسایی نیز چنین قرائت می‌کرد و بقیه افراد به یاء و رفع باء در «ربك» می‌خواندند. در مصحفی که دست عموم مردم است نیز چنین آمده است (نحاس، معانی القرآن، بی‌تا: ۲/۳۸۴؛ طوسی، التبیان، ۱۳۸۹: ۴/۵۸؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۳/۴۵۱؛ شوکانی، فتح القدير، ۱۴۱۴: ۲/۹۲).

زجاج می‌گوید: معنی کلام بنابر این قرائت چنین می‌شود: هل تستدعی طاعة ربك فيما تسأله (همان).

بنابراین طبق کتب قرائی مذکور این قرائت به امام منسوب است و اعتبار این نسبت به اعتبار این کتب نزد محدثان و مفسران شیعه بستگی دارد و قرائات دیگر قرآء نیز به همین میزان معتبر است.

ب) بررسی روایات قرائت معصوم علیه السلام

در تفسیر عیاشی از یحیی الحلبی نیز این قرائت آمده که علامه مجلسی همچنین در کتاب «بحار الانوار» به آن استناد کرده است و در توضیح این قرائت می‌نویسد: این قرائت کسایبی است. البته در تفسیر عیاشی و کتاب بحار اشاره ای به معصوم ندارد: هذا قراءة الكسائي حيث قرأ «تستطيع» بصيغة الخطاب و «ربك» بالنصب أي تستطيع سؤال ربك (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴: ۱۴ / ۲۴۸).

عیاشی در تفسیرش چنین آورده است: عن يحيى الحلبي في قوله «هل يستطيع ربك» قال: قرأتها هل تستطيع ربك يعني هل تستطيع أن تدعو ربك (آیا می‌توانی پروردگارت را بخوانی) (عیاشی، کتاب التفسیر، ۱۳۸۰: ۱ / ۳۵۰).

بنابر روایات مذکور در کتب تفسیری و حدیثی شیعه، این قرائت قابل اسناد به امام علیه السلام نمی‌باشد.

ج) تفاوت قرائت امام علیه السلام با قرائت کسایبی

در کتاب «التیسیر» آمده: کسائی «هل تستطيع ربك» با تاء و إدغام لام در آن و نصب باء و باقون با یاء و رفع باء قرائت کرده‌اند (دانی، التیسیر فی القراءات السبع، ۱۴۲۶: ۸۳). طبرسی در توضیح آن گفته است: «هتستطيع» و این ادغام به جاست، زیرا ابو عمرو در «هل توب الكفار» (مطفین / ۳۶) لام را در ثاء ادغام کرده است. بدیهی است که «تاء» به لام از «تاء» نزدیک‌تر است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۷ / ۲۳۲).

۹. تأثیر قرائات معصومان بر تفاسیر شیعه

الف) آیه وضو (مائده/۶)

بعد از بررسی تفاسیر شیعه ذیل این آیه به این نتیجه می‌توان دست یافت که قرائت به جرّ در کلمه «أرجلكم» در تفسیر ادبی و فقهی آیه اثر ویژه ای دارد و مفسران به این قرائت توجه کرده‌اند.

۱- قرائت جر ظاهرتر است؛ زیرا عطف «ارجلکم» بر «برءوسکم» در ظاهر لفظ را نشان می دهد. پس دلالت بر مسح پاها در وضو را روشن تر بیان می کند (جرجانی، آیات الاحکام، ۱۳۶۲: ۱/ ۲۵). این قرائت وجوب مسح پاها همانند مسح سر را می رساند (طوسی، التبیان، ۱۳۸۹: ۳/ ۴۵۲).

۲- مجرور بودن «ارجلکم» از باب عطف است نه از باب تبعیت؛ زیرا واو عاطفه بین «برؤوسکم» و «ارجلکم» فاصله شده است (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰: ۵/ ۲۲۲).
 ۳- خداوند، اعضایی را که در وضو باید شسته شوند، از اعضایی که باید مسح شوند، جدا کرده است. از لحاظ لغت و شرع نیز مسح و شستن با یکدیگر تفاوت دارند (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۳/ ۲۵۷).

(ب) آیه نهی از پرستش طاغوت (مائده/۶۰)

هر چند شیخ طوسی به قرائت امام علی (علیه السلام) به صورت «و عبدة الطاغوت» دست نیافته است، می نویسد: و لو قرأ قارئ «و عبد الطاغوت» کان صواباً یرید به «عبدة الطاغوت» و یحذف الهاء للاضافة» اگر قاری «و عبد الطاغوت» قرائت کرده، این قرائت صحیح است و او در واقع، «عبدة الطاغوت» را ارائه کرده که هاء در حالت اضافه شدن حذف شده است (طوسی، التبیان، ۱۳۸۹: ۳/ ۵۷۳).

از این کلام شیخ می توان به این نکته رسید که عبارت «عبدة الطاغوت» از نظر معنایی مورد پذیرش ایشان است، هر چند موقع اضافه «ة» حذف می شود.

(ج) آیه دو شاهد (سوره مائده، آیه ۱۰۷)

جمله «مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلِيَانُ» در موضع حال است؛ یعنی در حالی که این دو شاهد جدید از کسانی هستند که آن دو شاهد اول - که از جهت وصیت نزدیک تر به میت هستند - بر آنان خیانت نمودند.

فخر رازی هم کلمه «اولیان» را همین طور معنا کرده و حاصل معنا این است که: اگر معلوم شد شهود اول یعنی کسانی - که قبل از کشف خلاف از جهت وصیت نزدیک تر به میت بودند - به اولیای میت خیانت ورزیده اند، در این صورت دو تن از همان اولیای میت اقامه شهادت می کنند. این معنا وقتی صحیح است که کلمه «استحق» مبنی بر فاعل (به کسر همزه و فتح تاء) قرائت شود چنان که بنا بر روایت حفص، عاصم چنین قرائت کرده است.

و اما بنا بر قرائت جمهور که کلمه مزبور را به صیغه مجهول (یعنی به ضم همزه و تاء) خوانده‌اند، ظاهر سیاق چنین می‌شود که «اولیان» مبتدا و خبرش جمله «فَأَخْرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا» است و به دلیل عنایتی که نسبت به جمله خبریه بوده، جلوتر از مبتدا ذکر شده است؛ لذا بنا بر این قرائت، معنی آیه چنین می‌شود: اگر معلوم شد آن دو تن شاهد مستحق کیفر گناه شده‌اند، پس دو شاهد دیگر که دو تن دیگر از اقربای میت‌اند قائم مقام دو تن شاهد نخستین می‌شوند. از عاصم - البته به طریق ابو بکر، حمزه، خلف و یعقوب - نقل شده که وی بجای کلمه «اولیان»، «اولین» که جمع «اول» و در مقابل و ضد کلمه «آخر» است، قرائت کرده و این کلمه به ظاهر به معنای اولیاء و نزدیکان است (طباطبایی، المیزان، ۱۴۰۲: ۱۹۸/۶).

د) آیه گفتار حواریون (مائده/۱۱۲)

کسائی عبارت «هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ» را به صورت «تستطيع» با تاء و «رَبُّكَ» با نصب و صدای بالا قرائت کرده و لام «هل» را در تأ «تستطيع» ادغام کرده است. این قرائت از امام علی (علیه السلام) و ابن عباس نیز روایت شده است و معاذ بن جبل گفته است: پیغمبر به من تعلیم فرمود که «تستطيع» با تاء و «رَبُّكَ» با نصب بخوانم و بقیه قرأء «يستطيع» را با یاء «و رَبُّكَ» را با رفع قرائت کرده‌اند. قرائت نخست بهتر است چون معنا چنین می‌شود: حواریین به عیسی گفتند: آیا تو می‌توانی از خدای خودت بخواهی که مائده بفرستد. ولی با قرائت دوم که مشهور است معنا چنین است که آیا خدا می‌تواند بفرستد. این طور پرسش نشانه شک و تردید است (عاملی، تفسیر عاملی، ۱۳۶۰: ۳/۳۷۴).

امام صادق (علیه السلام) «هل تستطيع ربك» قرائت کرده است؛ یعنی آیا می‌توانی از پروردگارت تقاضا کنی؟! (طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ۱۴۱۲: ۱/۳۶۱).

البته درباره قدرت او شک نداشتند. می‌خواستند بگویند: تو که می‌توانی، چرا سؤال نمی‌کنی؟! طبق این قرائت «ان ينزل» متعلق است به مصدری محذوف؛ یعنی «هل تستطيع ان تسال ربك انزال مائده؛ آیا می‌توانی نازل شدن مائده را از خدا بخواهی؟».

از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است که یعنی: «هل تستطيع ان تدعو ربك...» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۳/۴۰۶).

بنابراین، قرائت امام به ادب در کلام برای حواریون حضرت عیسی (علیه السلام) نزدیک‌تر است.

هـ) آیه امام عادل (مأئده / ۹۵)

در تفسیر شریف لاهیجی چنین آمده است: قرائت ائمه صادقین امام محمد باقر و امام جعفر صادق (علیهم السلام) «ذو عدل» به صیغه مفرد است و به این تقدیر مراد امام است یا نائب خاص یا نائب عام او چون در این مقام، مطلب بیان حکم است، کلام یک عادل کافی است و دو عادل در دعوی ضروری است و در اینجا دعوی تحقق ندارد ... محمد بن مسعود عیاشی از حضرت اُبی جعفر الباقر (علیه السلام) نیز به همین مضمون روایت کرده و در «التهذیب» از آن حضرت روایت کرده که مراد از ذو عدل، شخص واحد است که رسول الله باشد و بعد از او وصی او واحداً بعد واحد و بعد از این فرمود: «و اذا علمت ما حکم به رسول الله و الامام فحسبک و لا تسأل عنه»؛ یعنی هر گاه دانستی آنچه را که پیغمبر و امام حکم کرده باشند، همان ترا بسنده است و دیگر گنجایش سؤال چون و چرا ندارد (لاهیجی، تفسیر شریف لاهیجی، بی تا: ۱ / ۷۰۴ و ۷۰۳).

همان گونه که در روایات بیان شد، رسم الف در کلمه «ذوا عدل» از خطای کتاب است. گفته اند: چون اگر الف ثابت باشد، دلالت دارد بر آنکه حاکم باید دو نفر باشد با آنکه مسلماً حکم پیغمبر یا امام هر یک به تنهایی کافی است، چون در هر عصری حاکم یک نفر است و آن یا پیغمبر است یا امام.

صاحب کتاب «روان جاوید» این قرائت را نمی پذیرد و این گونه استدلال می کند:

- ۱- این قرائت مخالف قرائت مشهور است.
 - ۲- ولایت امام در زمان پیغمبر در رتبه خود محفوظ است و معلوم است هر حکمی از پیغمبر صادر شود، امام هم طبق آن حکم می نماید. پس اگر الف ثابت هم باشد، محذوری ندارد (تقفی تهرانی، تفسیر روان جاوید، ۱۳۹۸: ۲ / ۲۷۲).
- ولی این دلایل قابل مناقشه است:

- ۱- قرائت معصوم در کنار دیگر قرائات قرآء هفتگانه حائز اهمیت است.
- ۲- اگر در یک زمان دو معصوم حضور داشته باشد، باز ولایت با یکی از آنهاست و دیگری مطیع معصومی است که حق ولایت در آن زمان با اوست.

صاحب تفسیر «اطیب البیان» توضیحی را که در روایت آمده، می پذیرد، ولی اصل را بر نگارش رایج بین مسلمانان می داند و می نویسد: «يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ» در بعضی از اخبار «ذو عدل منکم» قرائت شده و به رسول اکرم و ائمه اطهار تفسیر شده و «ذوا عدل» از خطای کتاب وحی شمرده اند، لکن مراد ظاهر سیاهی - که مرام ما است که تعدی نکنیم - دو نفر عادل از اهل خبره تعیین مماثلت کنند در موارد اشتباه (طیب، اطیب البیان، ۱۴۱۲: ۴ / ۴۷۲).

و) آیه شهادت الهی (مائده/ ۱۰۶)

قرائت امام معصوم در این آیه بیشتر جنبه تفسیری دارد و با استفاده از قسم، بر گناهکار بودن آن شخص تأکید دارد. هر چند این قرائت نیز جای بررسی دارد. مرحوم طبرسی در ابتدای تفسیر آیه مورد نظر با دقت به بحث لغوی و ادبی، این قرائت را آورده و مورد توجه و بررسی قرار داده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۲: ۱/ ۳۵۸).

۱۰. تأثیر قرائت معصوم بر ترجمه‌های قرآن (مائده/ ۱۰۶)

در آیه ۱۰۶ سوره مائده، اگر بر کلمه «شهادة» وقف شود و از «الله» جمله جدید آغاز گردد، همان‌گونه که امام قرائت نموده‌اند، با توجه به اینکه «الله» جمله استفهام است یا قسم یا جمله خبری، ترجمه قسمت پایانی آیه کریمه این چنین می‌شود: ﴿وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذَا لَمِنَ الْأَمِينِ﴾

- شهادت را کتمان نمی‌کنیم، آیا خداوندا ما از گناهکاران خواهیم بود؟

- شهادت را کتمان نمی‌کنیم، خداوندا! اگر این چنین باشد از گناهکاران خواهیم بود.

- شهادت را کتمان نمی‌کنیم، قسم به خدا اگر این چنین باشد از گناهکاران خواهیم بود.

ولی طبق قرائت حفص از عاصم که در دست عموم مردم است، نیاز به تقدیر گرفتن جمله شرط است؛ بنابراین، این چنین ترجمه شده است:

- و گواهی خود را که به امر خداست کتمان نخواهیم کرد که اگر کتمان شهادت کنیم

البته از گناهکاران خواهیم بود (ترجمه مرحوم الهی قمشاهی).

- و شهادت الهی را کتمان نمی‌کنیم که در غیر این صورت از گناهکاران خواهیم بود

(ترجمه استاد بهرام‌پور).

- و شهادت الهی را [که در حقیقت شهادت بر وصیت است] پنهان نمی‌کنیم که اگر

پنهان کنیم از گناهکاران خواهیم بود (ترجمه استاد انصاریان).

جدول جمع بندی قرائت معصومین در سوره مائده

شماره آیات	نام معصوم	قرآنت در قرآن فعلی	قرآنت امام در کلمه	مستند به کتب حدیثی	بررسی سند	مستند به کتب دیگر	متحدان با قرائت معصوم
۶	امام علی (علیه السلام) امام باقر (علیه السلام)	أَرْجُلَكُمْ	أَرْجُلِكُمْ	تهذیب الاحکام	ضعیف	-----	ابو عمرو، ابن کثیر، حمزه و ابو بکر از عاصم، ابو جعفر، خلف، انس و...
۶۰	امام علی (علیه السلام)	عَبْدَ الطَّاعُوتِ	عبدة الطاعوت	-----	-----	المختصر فی شواذ قرائات	-----
۸۹	امام صادق (علیه السلام)	أَهْلِيكُمْ	أَهَالِيكُمْ	-----	-----	تفسیر جوامع الجامع و معجم القرائات	-----
۹۵	امام صادق (علیه السلام)	ذُوا عَدَلٍ	ذو عدل	الکافی، تهذیب الاحکام، وسائل الشیعه (۵ روایت)	صحیح	أطیب البیان، تفسیر شریف لاهیجی، روان جاوید	-----
۱۰۶	امام علی (علیه السلام)	شَهَادَةَ اللَّهِ	شهادة الله	-----	-----	المختصر فی شواذ قرائات، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، معجم القرائات	شعبی، نعیم بن میسره
۱۰۷	امام علی (علیه السلام) امام باقر (علیه السلام)	اسْتَحَقَّ	استحق	-----	-----	معجم القرائات، الدر المنثور، روح المعانی، فتح القدير	حفص عن عاصم، الحسن، نصربن علی عن ابيه عن قره عن ابن کثیر، اعشى، ابي بن کعب ابن عباس
	امام صادق (علیه السلام)	الْأَوْلِيَانِ	الأولیان	-----	-----	معجم القرائات، در المنثور، الميزان، مفاتيح الغيب	نافع، ابن کثیر، ابو عمرو، ابن عامر، کسای، حفص عن عاصم، ابي، ابن عباس، ابو جعفر
۱۱۲	امام علی (علیه السلام)	هل يستطيع ربك	هل تستطيع ربك	بحار الانوار به نقل از: تفسیر عیاشی	-----	قراءت الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، معجم القرائات، مجمع البیان، جوامع الجامع، البرهان، الصافی	کسائی، معاذ بن جبل، ابن عباس، اعشى، مجاهد، ابن جبیر، جماعه من الصحابه، التابعین

نتیجه

از مجموع هشت روایت تفسیری بررسی شده از قرائات معصومان در سوره مائده، سه روایت در کتب حدیثی معتبر ذکر شده که از این تعداد روایتی ضعیف السند، روایتی صحیح السند و روایتی به نقل از تفسیر عیاشی آمده است. درج این روایات در کتب اربعه نشان از اهمیت آنها دارد.

روایتی که ضعیف است، مؤیداتی از دیگر قرائات دارد؛ از جمله هماهنگی با قرائت ابو عمر، ابن کثیر، حمزه و ابوبکر از عاصم، ابوجعفر، خلف، انس و دیگران.

قرائتی که از تفسیر عیاشی نقل شده نیز مؤیداتی از دیگر قرائات دارد؛ مانند: هماهنگی با قرائت کسائی، معاذ بن جبل، ابن عباس، اعشی، مجاهد، ابن جبیر و جماعتی از صحابه و تابعین.

توجه به بعضی از قرائات منقول از معصومان تأثیر بسزایی در تفسیر قرآن دارد.

بارزترین نتیجه این پژوهش، ارزشمندی قرائات معصومان است. دیگر اینکه اعتماد به روایات دارای سند صحیح، متن متقن و دیگر مؤیدات، کمتر از اعتماد به قرائات دیگر قرآء نیست و در کنار دیگر قرائات در تفسیر آیات باید مورد توجه واقع شوند.

منابع

۱. قرآن کریم ترجمه مرحوم الهی قمشاهی، انصاریان، بهرام پور.
۲. ابن جزری، محمد، النشر فی القراءات العشر، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
۳. اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۰ق.
۴. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۵. ثقفی تهرانی، محمد، تفسیر روان جاوید، تهران: برهان، چاپ سوم، ۱۳۹۸ق.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ق.
۷. حسینی جرجانی، سید امیر ابو الفتح، آیات الاحکام (جرجانی)، تهران: نوید، ۱۴۰۴ق.
۸. خطیب، عبد اللطیف، معجم القراءات، دمشق: دار السعد الدین، بی تا.
۹. دانی، ابو عمرو عثمان بن سعید، التیسیر فی قراءات السبع، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ دوم، ۱۴۲۶ق.
۱۰. زرکشی، محمد بن عبد الله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۰ق.
۱۱. زمخشری، محمود، کشف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
۱۲. سلامه، احمد محمد احمد، مختصر فی شواذ قراءات لابن خالویه، جامعه التکریت، سامراء: کلیه العلوم الاسلامیه، بی تا.
۱۳. شریف لاهیجی، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: دفتر نشر دار، ۱۳۷۳ش.
۱۴. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدر، دمشق - بیروت: دار ابن کثیر - دار الکلم الطیب، ۱۴۱۴ق.
۱۵. طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر، موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش.
۱۶. طباطبائی المجاهد، محمد بن علی، مفاتیح الاصول، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۳۴۲ق.

۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تهران: دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ش.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، لبنان: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۸۹ق.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش.
۲۱. طیب، سید عبد الحسین، أطيّب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸ش.
۲۲. عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، تهران: صدوق، ۱۳۶۰ش.
۲۳. عبد کاظم محسن الیاسری، حیدر جبار عیدان، قراءه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۲۴. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.
۲۵. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، ایضاح الکفایة، قم: نوح، ۱۴۲۸ق.
۲۶. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، لبنان: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۷. فضلی، عبدالهادی، القرائات القرآنیة، مرکز الغدیر، ۱۴۳۰ق.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش.
۲۹. مجلسی، محمد باقر، «بحار الانوار»، بیروت - لبنان: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۳۰. مطرودی، عبدالرحمن بن ابراهیم، الأحرف القرآنیة السبعة، ریاض: دار عالم الکتب، ۱۴۱۱ق.